



بسم الله الرحمن الرحيم

به همه ی برادران و خواهران عزیز از قشرهای مختلف - که از مناطق گوناگون تشریف آوردید - صمیمانه خیرمقدم عرض می کنم و امیدوارم خداوند متعال این احساسات را که از دلهای پاک شما بر می خیزد، مثل همیشه منشأ برکات فراوانی در جامعه قرار بدهد و رحمت خود را بر این نیتهای صادق و دلهای پاک نازل بفرماید.

مسئله ی حضور ملت ایران در صحنه های مختلف اداره ی کشور، يك پدیده ی بسیار برجسته و ممتاز است. خطاست اگر خیال کنیم که حضور ملت ایران، فقط در صحنه ی انتخابات نمایان و نشان دار است. بله، انتخابات در نظام جمهوری اسلامی همیشه در طول این بیست و هفت سال، يك مقطع درخشان برای ملت بوده است و نشان دهنده ی عمق اعتقاد این ملت و این نظام به دخالت مردم در سرنوشت خود محسوب شده است؛ ولی عمق، برکات، گستره و آثار حضور ملت ایران بیش از اینهاست. امروز اگر در صحنه ی داخلی و پیشرفتهای گوناگون علمی و فنی و اجتماعی و اقتصادی ای که در کشور مشاهده می شود و همچنین در صحنه ی بین المللی، عزت ملت ایران و برجستگی و شاخص شدن سیاستهای این ملت در منطقه و سطح جهان يك پدیده ی مهمی است و همه ی تحلیلگران و چشمهای بینا و کاوشگر را به خود جلب کرده است، همه ی اینها محصول حضور مردم در صحنه های گوناگون است.

همین شعار انرژی هسته ای - که مردم ما در هر نقطه ی کشور و به هر مناسبتی آن را مطرح می کنند و يك خواست ملی را اینطور در صحنه تجسم و عینیت می بخشند - نشان دهنده ی حضور آگاهانه ی مردم در صحنه است. حضور مردم در صحنه، معنایش این است که آحاد مردم - پیر و جوان، قشرهای مختلف، مرد و زن در هر نقطه ای از کشور - مسائل اساسی کشور را مسائل خودشان بدانند؛ مسائل علمی و پیشرفت علمی و فنی را مسئله ی اساسی خودشان به حساب آورند؛ پایبندی کشور و نظام و مسئولان به ارزشهای اساسی انقلاب را به عنوان يك خواست حقیقی خودشان همه جا مطرح و مطالبه کنند؛ اینها حضور مردم در صحنه است. حضور مردم در صحنه یعنی بی تفاوت نبودن؛ سرنوشت کشور را رها نکردن؛ بی رغبت نبودن نسبت به حوادثی که در کشور می گذرد؛ این معنای حضور در صحنه است.

وقتی يك ملت - پیر و جوانش، بزرگ و کوچکش، قشرهای مختلفش - نسبت به مسائل گوناگون کشور خود دارای انگیزه و فکر است، آن فکر را بر زبان می آورد، بر آن پای می فشرود و از آن دفاع می کند، این ملت، ملت زنده ای است و آینده ی آن تضمین شده است.

مشکل ملت بزرگ ما - قبل از پیروزی انقلاب اسلامی - فقط در این نبود که بیگانگان، مسئولان سیاسی کشور را بدون اطلاع آنها روی کار می آوردند و کنار می گذاشتند؛ این البته مصیبت بزرگی بود، اما مسئله این بود که مردم از جریانات کشور، پیشرفت کشور، مقایسه ی کشور با کشورهای دیگر، اندازه گیری میزان سرعت حرکت کشور به سوی اهداف، بکلی بی خبر و بیگانه بودند. اگر کسی اهل کار بود، برای خودش اهل کار بود؛ دنبال کار خودش بود؛ کار کشور مسئله ی آحاد مردم محسوب نمی شد. نتیجه هم همان شد که ملاحظه می کردید؛ جوانها هم یا در تاریخ می خوانند یا از بزرگترها می شنوند؛ بعضی هم که یادتان هست، و می دیدید که کشور به دست عده ی معدودی - که خود آنها بازیچه ی سیاستهای بین المللی بودند - چگونه اداره می شد. ملت به يك ملت عقب افتاده ی در زمینه های گوناگون تبدیل شده بود؛ چون مردم کاری به کار کشور و مسائل کلان آن نداشتند؛ خبر هم از آنها نداشتند که در کشور چه می گذرد، چه سیاستی بر کشور حاکم است، چه آینده ای در انتظار کشور است، چه کسانی دارند در کشور دخالت می کنند؛ مردم به اینها توجهی نداشتند و کسی هم آنها را وارد میدان معرفت و علم نمی کرد. نتیجه هم همان بود که می دیدیم: يك عده در رأس کارهای کشور قرار می گرفتند که نه به ایمان مردم، نه به دنیای مردم و نه به آخرت آنان هیچ دلبستگی نداشتند. دلبستگی آنها به زندگی شخصی خودشان و به خاطر حفظ زندگی شخصی، به بند و بست با اربابهای خارجی منحصر می شد؛ این وضع زندگی ملت ما در پیش از انقلاب بود. انقلاب صفحه را



برگرداند؛ مردم شدند صاحب کشور، صاحب اختیار کشور و تصمیم گیر در مسائل کشور. حضور مردم در صحنه به این معناست. بعضی نگویند که مردم را فقط برای انتخابات می خواهند؛ نه، انتخابات يك نشانه است. انتخابات يك مقطع از مقاطع حضور مردم است. مطالبه ی خواستها، مطالبه ی هدفها، دلبستگی به این اهداف، دغدغه ی اینکه چقدر پیش رفتیم و تا کجا پیش رفتیم و چه خواهیم کرد؛ بامشکلات چگونه دست و پنجه نرم خواهیم کرد؛ امروز این دغدغه ها در بین مردم ما عمومیت دارد. مردم نسبت به مسائل خاورمیانه حساسند. امروز شما درباره ی مسئله ی عراق، درباره ی مسئله ی لبنان، درباره ی مسئله ی مردم مظلوم فلسطین و درباره ی مسائل مسلمانان، جوان و پیرتان نسبت به این مسائل حساسید، سؤال دارید، استفهام دارید و انگیزه دارید. دنبال این انگیزه، اقدام است. این، خاصیت حضور مردم در صحنه است و این خدمت بزرگی است که انقلاب اسلامی به کشور ما کرد و این ملت، يك ملت زنده است. نشانه ی زنده بودن هم پیشرفت کردن در میدانهای مختلف است. و می بینید که ملت ایران در طول مدت انقلاب، در میدان مختلف به سرعت پیشرفت کرده است. همان ملتی که سرنوشت خود او را هم دیگران دور هم می نشستند و برایش تصمیم گیری می کردند و ملت ایران حتی در تعیین رؤسای خود و مدیران کشور دخالتی نداشت؛ همان ملت، امروز به جایی رسیده است که نقش او در مسائل منطقه تعیین کننده است. اینکه دیگر حرف ما نیست. این حرف مستکبران و قدرت مداران دنیا و صاحبان امر و نهی در مسائل جهانی است که اعتراف می کنند بدون حضور و خواست ایران، مسائل مهم منطقه ی خاورمیانه قابل حل شدن نیست؛ باید نظر ایران را خواست؛ باید نظر ملت ایران را دانست. عملاً هم آنجایی که ملت بر يك چیزی پافشاری می کند، همه ی دستگاههای قدرت جهانی - بر روی هم - نمی توانند در مقابل خواست ملت ایران حرف خودشان را پیش ببرند. در همین قضیه ی انرژی هسته ای، همه بر این متفق شدند که ایران باید این فناوری و پیشرفت را نداشته باشد؛ اما ملت ایران یکپارچه بر دارا شدن این حق پافشاری کردند؛ و نتیجه این شده است که خود را به مراحل بسیار پیشرفته ی این کار رسانده اند؛ و البته این پایان کار نیست؛ باز هم ان شاءالله پیشرفتهای بیشتری خواهند داشت.

این را عرض کردیم برای اینکه جوانهای کشور ما - که بحمدالله اکثریت ملت ما جوانند - برای آینده ی این کشور خودشان را آماده کنند؛ جوانها از هر قشری - بخصوص قشرهای تحصیلکرده - باید بدانند آینده ی این کشور متعلق به آنها و دست آنهاست. امروز شما هستید که فردای این کشور را با دستان و اراده ی خودتان می سازید و طراحی می کنید.

اگر ملت بر چیزی مصمم شد و پای آن حرف ایستاد، هیچ قدرتی در دنیا قادر نیست که بر این اراده ی متحد ملی فائق آید. شرط این موفقیت، اراده و عزم راسخ است؛ شرط دیگرش اتحاد ملی است؛ که بحمدالله مردم ما از آن برخوردارند. البته عده ای مایل هستند بین مردم اختلاف بیندازند؛ شعارهای تفرقه آمیز می دهند؛ می خواهند مردم را در مقابل هم قرار بدهند؛ اما تاکنون موفق نشده اند؛ و ان شاءالله بعد از این هم موفق نخواهند شد.

امروز مسئله ی انتخابات مطرح است. هر انتخاباتی مهم است. اهمیت انتخابات از دو نظر است: یکی اصل حضور مردم است؛ که وقتی يك ملت دست به انتخاب می زند، وارد صحنه ی انتخاب می شود، یعنی زنده است. آن کسی که برای خود انتخاب می کند، زنده بودن خود را اثبات می کند. انسانی که برای او تصمیم می گیرند، برای او انتخاب می کنند و او بیکار و بی تأثیر می نشیند و نگاه می کند، علامت حیات در او ضعیف است؛ نمی توان او را يك انسان زنده یا يك ملت زنده به حساب آورد.

پس اولین اثر انتخابات این است که نشان دهنده ی حیات و خودآگاهی يك ملت است؛ این را باید ملت ما با استفاده از فرصت انتخاباتهای گوناگون و پی درپی، تمرین و اثبات کند. همچنان که از اول انقلاب تا امروز، ما تقریباً به طور متوسط هر سال يك انتخابات داشتیم که مردم به میدان آمده اند و انتخاب کرده اند؛ برگزیده اند؛ تعیین کرده اند؛ رأی و عزم خود را در صحنه ی عمل نشان داده اند و آن را به کرسی نشانده اند؛ این خیلی مهم است.

اثر بعدی هم این است که وقتی اراده ی مردم در يك انتخاباتی وارد میدان می شود، آن چیزی که بر طبق نظر اکثریت مردم و خواست و آرمان آنهاست، آن تحقق پیدا می کند؛ چه در انتخاب رئیس جمهور، چه در انتخاب



نمایندگان مجلس و چه در این دو انتخابی که دو روز بعد ان شاءالله برای ملت ایران مطرح است؛ یعنی انتخابات مجلس خبرگان و انتخابات شوراها.

www.leader.ir

من قبلاً هم عرض کرده ام، انتخابات مجلس خبرگان یکی از مهمترین انتخاباتهای ماست. مجلس خبرگان باید همیشه آماده باشد؛ و تشکیل شده باشد از انسانهای امین، عاقل، صالح، خیرخواه جامعه، حاضریراق برای روز مبادا و لحظه‌ی موعودی که ممکن است پیش بیاید؛ تا بتوانند در لحظه‌ی معین کار بزرگ خود را - که عبارت است از انتخاب رهبر - انجام بدهند. لذا انتخابات بسیار مهمی است. بایستی این مجلس همیشه آماده به کار بماند؛ حاضر باشد؛ افراد آن - منتخبان مردم - منتخبانی باشند که مردم بتوانند به آنها اعتماد کنند و به آنها دل بدهند. گزینشی را که آنها خواهند کرد، آن گزینش را مردم بپذیرند و مورد قبول مردم قرار بگیرد؛ این خیلی مسئله‌ی مهمی است. بنابراین سطح مجلس خبرگان، بالاترین سطح انتخاب است؛ مردم بایستی افراد شایسته را بشناسند و انتخاب کنند. چنانچه افرادی را نمی‌شناسند، از راهنمایی انسانهای مؤمن و مطمئن استفاده کنند که معرفی آنها برای انسان حجت شرعی باشد؛ دنبال حجت شرعی باشید. دنبال این باشید که اگر خدای متعال پرسید زید را چرا برای مجلس خبرگان انتخاب کردید، شما بگویید این زید را فلان کسانی که می‌دانستیم مردم وارد و مطمئن و امینی هستند، معرفی کرده بودند؛ پیش خدا حجت داشته باشید. به هر معرفی‌ای نمی‌شود دل بست و اعتماد کرد. معرفی انسانهای مورد اطمینان؛ معرفی کسانی که انسان بدانند که اینها نیتشان خدایی است؛ برای دنیا و برای گروکشیهای سیاسی و جنجال و هیاهو وارد میدان نشده‌اند؛ بلکه به عنوان ادای وظیفه معرفی کرده‌اند؛ انسان از حرف آنها اطمینان پیدا می‌کند و افرادی را با معرفی آنها به عنوان خبره به مجلس خبرگان می‌فرستد.

مسئله‌ی شوراها هم همین طور است. نوع منتخبان شوراها را اسلامی شهر و روستا با نوع منتخبان مجلس خبرگان متفاوت است؛ اما وظیفه‌ی اینها هم یک وظیفه‌ی بسیار مهمی است. کسانی باید در شورای شهر مشغول خدمت شوند که افرادی کاری، فعال، صادق و به فکر خدمت به مردم باشند؛ به فکر خودشان، به فکر دنیای خودشان و به فکر جمع و جور کردن امور دنیوی برای خودشان نباشند و بخواهند برای مردم کار و تلاش کنند. اگر انجمنهای شهر و روستا، شوراها شهر و روستا - که مورد انتخاب مردم هستند - انسانهای صالحی باشند، بسیاری از مشکلات شهری و زندگی مردم حل خواهد شد.

حضور در انتخابات بسیار مهم است. دشمنان شما ملت، سعیشان این است که حضور مردم در انتخاباتهای گوناگون را کم‌رنگ کنند. این نهادهای انتخابی را تضعیف کنند تا نمادهای مردمسالاری دینی در جمهوری اسلامی ضعیف شود و بتوانند جمهوری اسلامی را متهم کند. همان کسانی که افتخارشان به این است که طرفدار مردمسالاری هستند - سیاستمداران دنیایی - تلاش می‌کنند که در ایران انتخاباتها کم‌رنگ و بی رونق باشد. شما ببینید نزدیک هر انتخابات، رادیوهای بیگانه و دشمنان ملت ایران، فصل مشبعی را شروع می‌کنند بیان کردن تا اینکه مردم را دلسرد کنند و وارد میدان انتخابات نشوند. ملت بایستی اغراض اینها را بشناسد و درست نقطه‌ی مقابل آنچه خواست آنهاست، عمل کند.

ان شاءالله روز جمعه مردم با حدت، با عزم راسخ و با انگیزه‌ی کامل وارد میدان انتخابات و صحنه‌ی آن شوند. صدوقهای رأی را از آرای خودشان پُر کنند و انتخاب خودشان را در معرض دید مردم دنیا بگذارند. یک بار دیگر رشد، حضور و آمادگی ملت ایران را به مردم دنیا نشان دهند. آن وقت در نوع انتخاب هم باز همین دقتها باید رعایت شود. جوانها، مرد و زن و قشرهای مختلف به دنبال این باشند که انسانهای صالح را انتخاب کنند.

عزیزان من! اساس در همه‌ی مسئولیتها تدبیر، امانت و صداقت است. اگر آدمهای کارآمد امانت و صداقت نداشته باشند، کارآمدی آنها به نفع مردم تمام نخواهد شد. علاوه بر کارآمدی، انسانها باید متدبیر، امین، صادق، رو راست و دلبسته‌ی به اهداف و آرمانهای دینی مردم باشند. این طور افراد را پیدا کنید و به آنها رأی دهید. در تهران، در سایر شهرستانها و روستاها، هرجایی که این انتخابات برگزار می‌شود - که در همه جای کشور این انتخابات هست - مردم با توکل به خدا و با قصد تقرب الی الله - که یک عبادت است - وارد میدان انتخابات شوند و صحنه‌ی آن را گرم کنند، و ان شاءالله روز جمعه یک آزمایش مردمی و انقلابی نوینی را در مقابل چشم مردم دنیا به نمایش گذارند.



مطمئن باشید وقتی شما با این نیت و عزم صادقانه و اراده ی راسخ وارد میدان شدید، خدای متعال هم کمک خواهد کرد و نتایج خوبی را بر این انتخابات مترتب خواهد کرد، و ان شاءالله هم در مجلس خبرگان و هم در شوراهای اسلامی شهر و روستا، برکات الهی شامل حال ما خواهد شد و ان شاءالله يك فصل نوین و تازه ای در مدیریت این بخشها در کشور به وجود خواهد آورد.

از خداوند متعال می خواهیم که ادعیه ی زاکیه ی حضرت بقیةالله (ارواحنا فداه) را شامل حال ملت عزیز، مسئولان، دست اندرکاران انتخابات و آحاد مردم بفرماید و ان شاءالله مسئولان کشور هم توفیق پیدا کنند که این انتخابات را هرچه بهتر و پُرشکوهتر برگزار کنند. بحمدالله مقدماتی که فراهم کردند - آن طوری که به من گزارش شده است - مقدمات بسیار خوبی است؛ همه چیز در جای خود و همه ی کارهای لازم پیش بینی شده است و نوبت مردم است که ان شاءالله وارد میدان و صحنه شوند و کار را با حضور و اراده ی خودشان به کمال و تمام برسانند. والسلام علیکم و رحمةالله و برکاته